



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه (۱۵) مهر ماه ۱۳۴۴

فهرست مطالب :

جمشید قریب بمعاونت سیسی و پارلمانی وزارت امور خارجه .

- ۵ - تقدیم آئین نامه معاملات شهرداریها بوسیله آقای معاون وزارت کشور .
- ۶ - تقدیم سه فقره پیشنهاد راجع به بدون و مصرف اعتبارات پیش بینی نشده بوسیله آقای معاون وزارت دارائی
- ۷ - حتم جلسه .

- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
- ۲ - بیانات قبل از دستور آقایان دکتر مهندس پیبودی - خواجه نوری - حبیبی - دکتر الهوتی .
- ۳ - تصویب صورت جلسه سوم امر دنامه .
- ۴ - بیانات آقای تخت وزیر و معرفی آقای

مجلس ساعت ۹ صبح ریاست آقای مهندس عبدالله رباضی تشکیل گردید

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

آقایان: اشرفی اصفهانی، اقبال، دکتر امین، اعرابی، مهندس پرویز پیبودی - نوری، جهانشاهی - حق شناس، دکتر سعید حکمت - ختایی - دهبیم - فابری - دکتر رشتی - دکتر رضایی - روستا - پوشوری - دکتر رهنوردی - زائی پاشا همیشه - زرگرزاده، مهندس زاهدی - زاهدی فرد - دکتر سعید - سیفی - شایبانی - دکتر صاحب قلم - طباطبائی - دکتر عدل - دکتر عدل طباطبائی - مهندس

علی - فیمبی - منولی باشی - محسنی - دکتر دانی - مرتضوی - دکتر معتمد زیری موسوی ماکوئی - نوری - نیسانزنگنه - کیهان یغمائی - دکتر یگانگی - بانو تربیت - بانو جهانبانی - غالب بی اجازه :

آقای دکتر مصباح زاده .

غائبین مرضی - آقایان :

اعلام مردوخ، امینی خراسانی، دکتر حاج میرزا جانی، رهبر - طالب زاده رودسری - فخر طباطبائی - کشفی - محدث زاده - مصطفوی قاضی - نیسانزنگنه بانو .

۲ - بیانات قبل از دستور آقایان: دکتر مهندس پیبودی - خواجه نوری - حبیبی - دکتر الهوتی .

رئیس - نظیفی قبل از دستور را شرح میخواند
آقای مهندس پیبودی تشریف میآورد .

ایراد داشتند فرمود: «حق اینجاب میانه (صحیح است) طرح می نماید و پیش نوشته سیه و آتش و سیاه می باشد. وسیله ترویج و آلودگی و دشمنی کشنده است. منتهی که بعضی مردم ایران بصورت قانون اساسی در آمدن سیاه شده است از نتیجه خاندان های مافیایزادین و مفاوذه که اعلی حضرت همانون شاهنشاه آریا مهر سرزمین شریف و ولایت خود همانون میفرمایند اصحیح است» باید این حقیقت را متذکر شود که محبت و دوستی بین شاه دولت و ملائی و فلاحی منتهایه و ناگسسته است یعنی همه مردم ایران در دولت شاهزاد دارند و شاه در قلوب همه مردم جا دارد (احسن) بمقتضای این بیت:

باید چنین جرئت هم پیش کسی را کشی غیر باشد
 خدای خود را بدست کسی را کشی زان شد

غرضاً است به حدیثی که از آنست و همچنین سلف ملت شاهنشاه محبوب آریا مهر در اینجا خانه میهمان زین و اقامت ازین لکن من قاضی است که بتواند کوششی از اوصاف آریا بیان کند که به هیئتند آنگاه میگویم و این بدینا میهمانان گن محترم و مخلصان آریا تشریف میگویم و برای احسن ختم بدینیتی اینک بقصیده شریفی بعضی سینهایی که وصف احوال همه مستند در این چاققاری میگویم

چندان که جهان است فکرم نامانم یاد
 بدو دولت پاینده با بدعت چون باد
 چو آن که در او عالمی از بدیها ماند
 جان و دین او از بعد بده امان را
 هر آن که کرد است شهرو است چو امشب
 هر که کرد گزین پیز کند نیز جانم
 آنکه کرد زدن اگر از بدیها گشتن او این
 در دست اهل خانه خشنه زبان اجاست
 رشاد مود آنگاه پیوسته اند
 آنالاس که به خدای بود خدای نام
 گو همه آن راه که خرد عالم
 تا پیروز که سعادمان خدایند آنرا و اهل
 من میباید که دعوتی کردی اینجور گفت
 کرد مودار دعوتی آتس همه بدینند کن محترم
 آرزوی تو بود و کلمه مردم من گفت: «سک همه مایل»

بنا بر این آیین خود احویم گفت: (صحیح است - احسن است) خدایان و بندگان که قدری هم در زبان مسائل روز خطائی عرض برساند که البته دولت باید همه آنها طرف توجه بسپارد. البته کارهای طبقه جوان ملکات که بیروی از آن عمر و آقامه است و میتواند منشاء حسادتها و خدعات است و در آن راه و زمین بنویس. از اسرائیلی است که همیشه در آنها با آن دست بر میزدند و مانند باد فکری سینه است قضی در راه آن عمل آید و نگارنده که این چنین بیروی بزرگ که مملو از مسائل است. اوامیریکری طبقه جوان سالار است یاس و تا اینجایی بدون مورد در آنها تولید مینماید و بهره برداری از فکر و این طبقه را در شکل سیازد دولت در این باره فکر و این باره فکر باید کرد و هرگز تولیدی مستحق و کنفرولی ایجاد نماید تا موافقان را در کمری در آن مراکز به انجام خدمات مشغول بمانند و الا هر چند که یکبار تعدادی از آفات استانیست و از ادارات استخدام کردن ویزیت مینماید در وجه دعا نیتکنند این که قتاری بر فرار خود بود و در وقت آفکیشی رفتند آمد مردم در سراسر کشور و مخصوصاً در نواحی جنوب بسیار ناراحت کننند بیرون قایل تحمل در آمده است. از این وضع هم حصار لاری است نتجه زاننده از نیتیمان مشکل کسی را چرا می توانسته هیچ سوزی حل کنند و هر اقصایی که در این مورد مینویسند میباید مشکل را تفری ایجاب میگردند. من بنشینم که طرح تهیه کسی لوگس هم بر سر راه اندام مردم بشرتی ندهند و در زمین زهرهای لایقه بیماست که مردم در راندن کار با ساری آرا اشتغال کرده و در وقت صلوم مینویسد این را در حدیثی نیست. در بعضی های تا کسی لوگس هر جا که بر سر راه باشد تا کسی خود را بتواند لوگس در اختیار مسافر قرار میدهند و هر جا که سر راه باشند تا خدمت همان طبقه میماند را میگویند. هر که در وضع فعلی که مسافر را امر است و راه راننده نباید تا کسیش تا اندازه ای که بر این مشکل را بماند که اگر دولت و قاضی را این طبقه در خدمت نیتیمان معاش بر نهد معاش را تا کسیش بر این تا کسیهای غیر این آفات را

هم مشکل باشد که چند سال همه را نماند کند. موضع انویس هر ما بد توجه بیشتری شود و اگر کشر کند احد با مستلکی و در صورت دولت باید در وقت آن اقدام کند تا اگر کار باشد بر همان طریقها فرمود شود و مخصوصاً حرکت انویسها هر طبقه بشکرامه صحیح و از روی ساعت و در قبال همین انویسها کرد. شاید آقایان صادر انویس عطف توجه لازم را به فراخشی مبرداست و نیتیمان داشته باشند ولی اگر در زیر آفتاب نیتیمان و در میان برف او بختندان و بران زستان خودشان همدرد انویس قرار بگیرند آنوقت بهتر بود و در مردم می خواهند و در مورد سیرین کار مردم بیروم کمک و در اختیارت توصیه فرمودند باید متذکر شود که یکبار اظهار آن قانون انجمن شهرداریاست که هنوز از تصویب مجلس شورای ملی نگذشت است از دست قضی مجلس شورای ملی نقلنا باید قیست بصورت قانون انجمن شهرداری انویس فروری صقل آوردند و مخصوصاً دولت باید باین موضوع توجه عیق داشته باشد و اگر احیاناً بعضی از مأمورین ضالع و وزارت کشور کمزور گشتن می کنند که در مردم دست آنها مؤثر نباشند. اصولاً بقیه من مردم در حال مسائل مربوط بود بهتر از دولت می تواند کار کند. و بطریقاً اگر نواقعی هم در کارها پیدا شود دیگر آری از دولت نخواهد دانست و با تجریاتی که خواهند اخذت در دفع آنها خواهند گویند. در خانه مستحق این شرح که می گوید نامه عییش چو گیسویست نیز یکی دیگری از غیبت شهرداران خدایتی که توسط دولت منصوبند حوزه انتخابیه ایجاب بیماست فشرکی می نایم باید بگویم باین خدمات غالباً بنست استاندار فعلی آقای سعیدی انجام می گیرد و من همانگونه که از سلف ایشان بر این مسائل اطلاع دارم و از این اتفاق کرده از انویس که شهرداری حشکی ناپذیر آقای سعیدی این منصفانه تمجید و تحسین میکند. البته این نتیجه را حسن تاق موقی است که این چنین فعلی خود را در خدمت اقداماتی که در شهرتشان پایا بود و اگر در آنجا در خدمت اوله کشی استانیست که بانه نامی اهل محرم شصت و یون. یانه بر آغاز خدمت است که هر روز در برای انهم و در ای آباد کرد.

مجلس گفت: خود کار شهرداران قابل و در حقیقت

و با یک کمک مختصری میتوانند تکمیل بکنند بایستی
 بالاخره جاذبهائی باشد که بشود عبور کرد ولی این معرجه
 ها آماده است اگر امکان هست کمک بکنید و سینه بوسینه
 حنا آقای جهانشاهی یک وقتی وزیر آموزش و پرورش
 بودند سؤالی فرمودند از او که ما هم چو این علوم که چه
 چیزهائی میشود در اختیار سیاهان گذاشتند بمطالعی که
 بشود مریسد عرض کردم ولی بالاخره این کوشش یعنی
 شما در این شبکه بسیار بزرگی که در همه دهنه دلو بود
 در اختیار شما هستند استفاده بیشتری میتوانید بکنید
 مثلا برای راهزنی یک وسائل مختصری در اختیار اینها
 بگذارید راهزنی مختصر یک کیلومتر و دو کیلومتر
 انجام میشود ولی وقتی رسید یک سنگ برای سگتوری دانستن
 آن وضاحت باید مرفشودا اگر یک بررسی اجناسی بشود
 وسائل چتری در اختیار آنها گذاشت شود راستی اینها در
 دهنه مجربه میکنند و خواهند کرد و خوشبختانه در
 شهرستان قزوین که مرکز بلوزه بایسواهی شده اینتر
 خیلی سریع دزدیش میروند بنشیند کی قزوف
 مردم قزوین از دزدت تنگ میگویم که تا این اندازه بگرا
 رسید کی میکند امداد باره سیاهان بهدشت که فرمودند
 خیلی مسیح است این سیاهان خیلی خوبتر میکنند
 وسائل کافی در اختیارشان هست مردم خدمت میکنند
 رسید کی میکنند املا آقادی که شاضی اینها هیچ قابل
 مقایسه با آن در مانگهای قدیم نیستند یعنی در مانگ
 های قدیمتان در سال ۱۰۰۰ تومان نمیدادند چقدر بودجه
 دارو داشت مردم نیرسیدند نمیدادند یک چند هم
 داشتند ولی متأسفانه تعداد این سیاهان بهدشت جلت
 ناشنن دگر و امکانات کم است یعنی شما اگر بتوانید
 بین پنج هزار قره از این سیاهان بهدشت استقامت فرمایند
 من نمیدانم چند سال طول میکشد در یکی از این ترفیاهی ما
 بندهم عرض اعجاز تر حدیثی بودی زانهم که هر یک سوز خوردن
 الوت یک سیاهی بهدشت داشتیم که بندهم سوز زانهم میآورم
 آقادی دگر حدیث بود که در همان روزهایی که من رویا
 باشه و با نمیدانم هر چه میخواهید استن و اینگله را این
 مرد زنده بود مردم ۱۳ قره و نوا کینه کرده بود حتی قبل
 از مردم نیران برای اینکه وسایل در اختیارش بود ولی
 برای تمام دهنه وسیله ندارد بندهم بوزانده اینک
 این سیاهان جلو میروند آن در مانگهایی که داشتیم

بهدشت و اینها را خواهند بستند بکنند بایستی
 بشود که آن در مانگها خواهد بود اینها را
 نمیتوانند بهدشت فرقه و حقیقت بر سه بود بکنند
 آن در مانگها را هورت بفرمایند اینها را
 عدلشان بسیار بود (بسیار علمشان بود) در این
 اشکال نداشت ولی حالا ازین برهنه حقیقتها
 نازد و سیاهان کلان جالب است. از سیاهان که در
 اقلام کلان علوم مسلماً آنها هم کارشان بکنند
 بود ولی از سیاهان بهدشت و کاشی حصر میگویند
 و واقعا اینها یک سنتی هستند برای کلان که در
 قزوین و زنجان و قمیان و خیلی چیزها دیگر که
 وجود داشتند لیکن اینها بفرمایند که در
 قزاقی جنس تالیان که اینها در یک طرفه ولی
 سلطان هستند همگی یک مردم را بکنند
 است (مسح است) واقعا اینها باقی جلتند و در
 کرد (مسح است) به بنده این اقلان همیشه
 هست در کمال سعادت و سبب عرض میکنم همگی
 اینان را یعنی هستند (مسح است) این مرتبه
 زحمت میکند (موسی ما کوئی) هر چه در سعادت
 انبیا میدهند (مسح است) بجز حرف جلا سوز
 زبان مایکوفی خوب چه بهتر چنین تعدادی را هورت
 بفرمایند بنده جاهلته چیزی بنده عرض نمیکند
 سوتهای عرض میکنم سال گذشته اینها است که
 این راهبران قزوین غربالست مردم بهدشت
 فراموش نهر مرحوم خواجگه نوری که بیزارم از وی
 بود در همین راهشید شعبه زکی بنا ایضا مسیح
 کردم گفت من این بنا تا بدست میگویم
 بنده فکر گویم اینها خواجگه نوری و سوز گویم
 گتم آقای جنس عالیترین عالی بندهم
 مرتبیم راههای حفت کیلومتر و در
 تفرقات دارد تا طرح کتابی بود در
 جنس متاور بود و بیست و بیست و بیست و بیست
 دو چطور شما چنین در کمال و بیست و بیست و بیست
 میدیدید این گفتند من از مسیح بندهم
 را انبیا محترم گتم اینها را بیست و بیست و بیست
 بنده عرض واقعا اینها بیست و بیست و بیست و بیست

بود و این عقیده را هم که از این طرف برای ملت ایران
 جدید استری می کشد و دست و پاهای ما را می بندد و
 استوار استوار ما را مسترد و همسنگ کرده است و اگر
 اصولی نگفتند که در چهارچوب پیش دریا ما بود و هر
 مستوفی است و مانند سحت انبیا و حق و تعویض استقامت ما
 نبود آن چه چهل سال کنیز قانون استقامت ما دولت
 از بهمان راه به مجلس تقدیم کرده و کسب و پیشه مشترکی
 در این بین الهی نظر میکنند اما آنرا که دیگر چهل سال
 طول نکشید و در برسی فرار کنید و برای این کشور نامه های
 مکتوب مایه با سرعت پیش برود و مسلماً از این راه های
 بشما فرار می دهد و هر طوری که در عرض سعه مذاکره
 مستقیم است آماده شده بود برای این که این باب
 بررسی کافی و وقتی شده بود فستاد های دیگر که ما
 سرایت پیش خواهد داشت از اینکه بعد از تهیه این
 راجع به تا کسی راجع به یکبارگی مسلماً در موضوعی که
 گزارش کراخا معروض می شود اصولی تقدیم خواهد شد
 عراقی راجع به آن نکت خواهد بود ولی چون گفته شد
 که تا کسی مشرک منگ بود زود سرفراز و دانشمند تا کسی
 سرفراز و دانشمند اگر شکلی بود برای این است که
 نوع تا کسی های ما معتقد است هر کسی مقرر می رود
 نوع حاشین لقب میشود و این اشکال بود که آن فراموش
 شده تا کسی که پیشتر با او بود و زودگی در عرض دیوه
 هفت فکر میکند بشرف خواهد بود و در نتیجه تا کسی
 مجوز به تا کسی خواهد شد استثنای که راجع به توپ
 گنبدی حاصل کرد که اطلاع از این ۲۰۰ توپ جدید
 مقدس و دانشمند اینها را با وجود این توپ ها حادی
 مشکلات در این فراموش خواهد بود و بیست استقامت
 کند استقامت در این فراموش خواهد بود اما اینها
 هنگامی که عدمی از اینها و آقایان اگر به خارج
 مسافرت کرده باشند ملاحظه کردیم که اینها جان دنیا است
 هیچ شهری از این فراموش است این اشکال نیست
 کند روزی که شهر تهران دست می افتد آن روزی که این
 خیابانها را با این عرض می کرد که هر چند که هیچ است
 فکر نمی کرد که در این طرف و آن طرف فکر کنید آن است

باید از مسج زود مسافر و به جای از باشد و این وقت که
 پیشتر آنکند چند اشکال دارد و در ملاحظه میکنیم که
 بیستون مؤبد است مسلماً باید این نکته باشد گفته شود
 مگر بیسی هم هست که مؤبد بودند و این اصرار من
 مؤبد هستند و با احترام محبت میکنند و اگر ما با آنها
 بود بنصورت و بنگه ما را هم با احترام از این استقامت
 کنیم نباید استفاده کنیم و قدری هر چه بود روی دست
 برای مزاج هم خوب است هوای سلامت ما را بدینست
 رنگ خوره توپ و اینها را زیاد میرویم ولی همانکه
 سوار ما شرف و شرف ما بی وسط غذایی که باید کینک عاریم

توسیل و آتیا بگذاریم بر روی قدم باید بیاشناکی
 کمه سدرت می خواهد راجع به آن چند گفته شد
 استقامت و آن اشکال این است که در جاده پولی این
 کسب فروری و کلابی فروری ها و رستوران ها
 که هست هر او توپ می آید آتیا مؤبد میشود
 و این اشکال در این فراموش خواهد بود برای این که
 اشکال کمتر شود باید تسلیم بیشتر از این شود اینها
 پیشنهاد میشود اجازه نمیدکد آتیا از این اشکال را باریک
 کنند و این اشکال را در آن که آقایان اینجا شرف
 دارند میفرمایند اجازه نمیدکد باریک کنند ولی فراموش
 که خودشان وقت در خیابان بیکوگی چرا از اینها بود
 این اشکال را باید در ملاحظه داشته باشید و آنرا
 توپها را در اینها که در نقاط مستقیم توپ نیستند
 توپهای دولتی را که دیگر اینها نیستند بنامه چون
 حالا همه دولتی داده اند و دیگر بنامه ای یکی تعداد
 توپهای دولتی همانطور که گفته شده بوده دادند
 توپ پیدا کردیم از این لحاظ بود آقایان اینجا کینک
 ملاحظه فرمایند از این لحاظ بود یکی شده است
 درهای دیگر هم می خواهند اگر حصدی باشد از
 طرف بوده این بهتر خواهد بود آتیا و در دست
 در آن کینک حصدی تواند سوار تا کسی نتواند عرض
 از دهه که ما می گویم که انجام می پذیرد شاید بنصورت
 بها خوشتر از این موقیبت استفاده کم و آقای چندی
 از است که در زمان عالی به وزارت امور خارجه را که
 تماماً با ایشان آشنایی دارد دوست هستید بنامه

تقدیم آیین نامه معاملات شهر دارها بپایه اولیه

معاون وزارت کشور

ولیس - آقای سراج حیاضی

معاون وزارت کشور (سراج حیاضی) - با اجازه

تبره ۳۹ قانون بودجه ۴۴ کشور آیین نامه راجع به
 تهیه سند برای صورت نقد می شود

ولیس - به کسب و پیشه های مربوط از خارج میشود

آقای قوام سدری

آقای سراج حیاضی

معاون وزارت دارائی

قوام سدری - با اجازه

مقام محترم و عالی بذل نظر بر آنکه مستشار بنویسند تبره ۳۹

قانون بودجه سال ۱۳۴۴ در داخل بودی که از این اشکالات

ذاتاً با بعضی با بعضی اشکال گردید در سال جاری بودی با بعضی

صوب کسب و پیشه بودجه است و پیشنهاد و تقاضا آماده

شده است که تقدیم مقدر ریاست میشود استقامت میشود که

اجازه فرمایند در کسب و پیشه بودجه مورد رسیدگی قرار

بگیرد اشکال و پیشنهاد دیگری هم هست که براساس

تبره ۱۹ قانون بودجه سال جاری برای استفاده از اعتبار

هر شهرداری پیش می شده که در بودجه مستقیم است که

این سند بود با اجازه کسب و پیشه انجام رسیدگی برای

زاد میفرماید این اشکال مستقیم که در شهرداری پیش می

شده اى ر. . كروه به نكسى كمت واستاده از آن اقدار
 شده است كه بن سه پيشنود را خصوصاً مقدمه رياست تقريه
 واستاديه استاد اعززه بفرمايند تا كميتهون خود را مورد
 رسيدگى فرمايند.
 رئيس - نامه كميتهون بوجه راجع ميشود
 ١٧- راجع جلسه
 رئيس - بچون محفل ديگرى در دستور نازيد
 راجع به خاتمه و آنگاه جلسه امروز اقليمى بكنيم بعد از
 اين جلسه يك جلسه ختمه مى تر اى نكده فرمايد جو ايه دستور
 اعني ميرت نكند آرداين جو اوايم داشت موقه دستور
 خانه آينده بعداً به اطلاع خواهيد رسيد.
 (جلسه ساعت ده و نيمه دقيقه صبح ختم شد)
 رئيس مجلس شورى اقليمى - مهتلى عبدالله دياضى